

فهرست مطالب

۱۵ مقدمه
۱۷ باب پنجم
۱۷ فصل اول - بخش اول
۱۷ دعاوى ويئه "قتل عمد"
۱۸ فصل اول - بخش اول
۱۸ «جنایت» مستخرج از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲
۱۹ «مستخرج از قانون مجازات اسلامی»
۳۱ قسامه الكافر
۳۲ فصل اول - بخش دوّم
۳۲ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
۳۳ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲
۵۰ «لایحه / اعتراض به قرار منع / موقوفی تعقیب» «عدم ثبت واقعه ازد واج دائم / شمول مرور زمان»
۵۱ «لایحه / اعتراض به قرار منع / موقوفی تعقیب» «عدم ثبت واقعه ازد واج دائم / شمول مرور زمان»
۵۲ «لایحه / اعتراض به قرار منع / موقوفی تعقیب» مزاحمت و ممانعت از حق
۵۲ «لایحه / اعتراض به قرار منع / موقوفی تعقیب / ضرب و شتم»
۵۳ «لایحه / اعتراض به قرار منع / موقوفی تعقیب / نزاع دسته جمعی
۵۴ «لایحه / اعتراض به قرار منع / موقوفی تعقیب کلاهبرداری / جعل داده / نشر اکاذیب در فضای مجازی
۵۵ فصل اول - بخش سوم - الف
۵۵ فقه جزا «تعزیر»
۵۹ فصل اول - بخش سوم - ب
۵۹ در باب قصاص
۷۰ فصل اول - بخش چهارم
۷۰ برگرفته از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
۷۷ فصل اول - بخش پنجم
۷۷ فن دفاع در امور کیفری (اقرار)
۹۴ فصل دوم - الف
۹۴ قانون مجازات اسلامی
۹۴ «تغليظ ديه»

۹۷	فصل دوم - ب.....
۹۷	«گفتار در وظائف قاضی»
۹۷	برگرفته از جلد چهارم کتاب ارزشمند تحریرالوسیله حضرت امام خمینی(ره).....
۱۱۱	«نمونه لایحه اعتراض به قرار منع تعقیب» جعل و سوءاستفاده از سند مجعل / شمول مرور زمان
 فصل سوم - الف.....	
۱۱۲	پرونده قتل (شماره یک) قتل عمدی به وسیله چاقو.....
۱۱۴	قتل عمد بوسیله چاقو / قصاص نفس
۱۴۱	"لایحه دفاعیه وکیل تعیینی متهم اصلی علی شیر".....
۱۴۴	رأی دیوانعالی کشور / تأیید و ابرام رأی بدوى
 فصل سوم - ب.....	
۱۴۷	فقه جزا «قصد»
 فصل چهارم - الف.....	
۱۵۰	پرونده قتل عمد (شماره دو) «عقبت زانی و زانیه»
۱۵۱	شکایت کیفری با عنوان مظنون به قتل.....
۱۵۳	مشروح بازجویی اداره آگاهی از متهم به قتل عمد
۱۵۵	رأی دادگاه عمومی بخش / قتل عمد / قصاص نفس
۱۵۸	"لایحه دفاعیه وکیل تسخیری محکوم به قصاص نفس"
۱۵۹	رأی دیوان عالی کشور / ابرام حکم قصاص
۱۶۲	رأی تمکیلی دادگاه بدوى
۱۶۳	خفگی بوسیله فشار برگردن
 فصل چهارم - ب.....	
۱۶۷	فقه جزا
 فصل پنجم.....	
۱۶۹	پرونده قتل عمد (شماره سه) قتل عمدی به وسیله چاقو
۱۷۰	لایحه دفاعیه وکیل تسخیری متهم به قتل عمد با چاقو
۱۷۲	رأی دادگاه / قتل عمد «قصاص نفس»
۱۷۴	رأی دیوان عالی کشور / ابرام حکم قصاص
 فصل ششم - الف.....	
۱۷۹	پرونده قتل (شماره چهار)
۱۸۰	قتل عمد / ۲ بار قصاص نفس / سرقت / قطع ید
۱۸۳	رأی دیوانعالی کشور / ابرام حکم قصاص / نقض حکم قطع ید رأی دادگاه / قتل عمد
۱۸۷	رأی دادگاه تجدیدنظر استان / رد تجدیدنظر خواهی
۱۸۸	صور تجلیسه اجرای حکم اعدام قاتل (مصطفی)
 فصل ششم - ب.....	
۱۸۹	گفتار در مورد سارق و
۱۸۹	برگرفته از جلد چهارم کتاب تحریرالوسیله حضرت امام خمینی(ره)

۲۰۱	فصل ششم - ح
۲۰۱	فقه جزا «سرقت».
فصل هفتم.	
۲۰۳	پرونده مشکوک به قتل با سم پرونده (شماره پنج).
۲۰۴	گزارش اول پزشکی قانونی / آزمایش سمشناسی نوبت اول.
۲۰۴	گزارش دوم پزشکی قانونی / آزمایش سمشناسی نوبت دوم.
۲۰۵	گزارش نهایی پزشکی قانونی و عدم اعلام علت تامه مرگ ناگهانی «نتیجه آزمایش سمشناسی دو نوبت قبلی».
۲۰۶	رأی دادگاه عمومی / صدور قرار منع تعقیب.
۲۰۷	رأی دادگاه تجدیدنظر استان / نقض قرار و اعاده پرونده جهت ادامه تحقیقات به دادگاه بدوى.
۲۱۰	نحوه آزمایش لکه‌ها و سمشناسی.
فصل هشتم.	
۲۱۸	دعاوی ویژه (قتل عمد) پرونده (شماره شش).
۲۱۹	قتل عمد بوسیله چاقو در نزاع دسته‌جمعی / قصاص نفس.
۲۲۲	رأی دیوانعالی کشور / ابرام دادنامه معتبرض عليه.
۲۲۹	فرم استیدان قصاص.
۲۳۲	صور تجسسه اجرای حکم اعدام.
فصل نهم.	
۲۳۳	دعاوی ویژه (قتل عمد) پرونده (شماره هفت).
۲۳۴	قتل عمد / اقامته غیر مجاز / سرقت مسلحانه.
فصل دهم.	
۲۴۵	دعاوی ویژه (قتل عمد) پرونده (شماره هشت).
۲۴۶	قتل عمد بوسیله چاقو و آتش زدن منزل تهدید / سرقة / ضرب جرح با چاقو / «قصاص نفس».
۲۴۸	رأی دیوانعالی کشور / ابرام حکم قصاص نفس / تذکر به دادگاه بدوى.
۲۵۰	رأی دادگاه تجدیدنظر استان / رد درخواست تجدیدنظر خواهی.
فصل یازدهم.	
۲۵۱	دعاوی ویژه (قتل) پرونده (شماره نه).
۲۵۲	قتل عمد / سرقة / قصاص نفس.
۲۵۶	لایحه وکیل متهم ردیف دوم (۱۰ سال حبس).
۲۵۹	لایحه دفاعیه وکیل جدید تجدیدنظر خواندگان توأم با اعلام وکالت.
۲۶۰	"رأی دیوانعالی کشور" / ابرام دادنامه معتبرض عليه.
فصل دوازدهم.	
۲۶۹	پرونده (شماره ده) دعاوی ویژه (قتل).
۲۶۹	اعتقاد قاتل به واجب القتل بودن مقتولین.
۲۷۰	۲ فقره قتل عمد و سرقة شبانه مسلحانه / مشارکت در حفاری غیر مجاز در اموال تاریخی / اعتقاد قاتل به جایز القتل بودن مقتولین.
۲۷۳	رأی دیوانعالی کشور / ابرام دادنامه معتبرض عليه.

۲۷۸.....	فصل سیزدهم - بخش اول
۲۷۸.....	اعتقاد قاتل به «مهدورالدم» بودن مقتوله «همسرکشی» پرونده قتل (شماره یازده)
۲۷۹.....	قتل عمد/ اعتقاد قاتل به مهدروالدم بودن مقتوله/ نفی ولد (همسرکشی)
۲۸۰.....	قتل عمد/ اعتقاد قاتل به مهدروالدم بودن مقتوله/ نفی ولد (همسرکشی)
۲۸۱.....	رأی دیوانعالی کشور/ ابرام قصاص نفس
۲۸۸.....	فصل سیزدهم - بخش دوم
۲۸۹.....	تقاضای تبدیل قصاص نفس به دیه با استناد به دستور مقام معظم رهبری (در موارد شرافتمدانه...)
۲۹۰.....	اشتباه در فقه/ معنی و مفهوم آن
۲۹۱.....	فصل چهاردهم
۲۹۱.....	«اعتقاد به مهدورالدم بودن»
۲۹۱.....	نظریات مختلف مراجع - علماء - حقوقدانان درخصوص اعتقاد قاتل به مهدورالدم بودن مقتول / مقتوله
۳۰۷.....	فصل پانزدهم
۳۰۷.....	قتل عمد) پرونده (شماره دوازده) «درگیری بین قاچاقچیان مواد مخدر»
۳۰۸.....	برگ گزارش معاینه جسد / پزشکی قانونی
۳۱۰.....	برگ گزارش / نتیجه انجام تحقیقات توسط اداره آگاهی
۳۱۲.....	نتیجه انجام تحقیقات محلی پیرامون موضوع قتل / اداره آگاهی
۳۱۳.....	رأی دادگاه عمومی بخش / قتل عمدی / قصاص نفس
۳۱۵.....	رأی دیوانعالی کشور / ابرام دادنامه و حکم قصاص نفس
۳۱۹.....	فصل شانزدهم
۳۱۹.....	پرونده قتل عمد (شماره سیزده)
۳۳۰.....	برگ شماره یک / صورتجلسه و گزارش بازدید از جسد
۳۳۱.....	برگ تحقیق و بازجویی از همسر قاتل
۳۳۲.....	برگ تحقیق و بازجویی از همسر مقتول
۳۳۳.....	صورتجلسه گشت کلانتری
۳۳۴.....	دستورات رئیس دادگاه به اداره آگاهی
۳۳۵.....	تنظیم گزارش توسط افسر نگهبان
۳۳۶.....	برگ بازجویی و تحقیق از متهم به قتل در کلانتری شهرستان محل مخفیگاه متهم / مراجعه متهم به کلانتری و معرفی خود
۳۳۷.....	برگ گزارش/ معرفی قاتل
۳۳۸.....	برگ بازجویی از متهم به قتل در دادگاه شهرستان مخفیگاه متهم (خود معرف)
۳۴۰.....	قرار عدم صلاحیت
۳۴۱.....	برگ بازجویی از متهم/ مدیریت کشف جرائم محل وقوع جرم
۳۴۲.....	برگ گزارش، نتیجه بازجویی از متهم به قتل/ دایره آگاهی محل وقوع جرم
۳۴۳.....	برگ بازجویی از متهم به قتل عمد با چاقو در دادگاه محل وقوع جرم / جلسه اول
۳۴۴.....	وقوع بازجوئی و صورتمجلس
۳۴۵.....	برگ بازجوئی و صورتمجلس
۳۴۶.....	اخذ اظهارات و شکایت از اولیاء دم مقتول توسط دادگاه محل وقوع جرم
۳۴۷.....	برگ بازجوئی و صورتمجلس
۳۴۸.....	گزارش معاینه جسد

۳۴۹	تشخیص هویت
۳۵۹	ادامه بازجویی از متهم به قتل توسط کارگاه محل وقوع جرم
۳۶۰	دستور تعیین وکیل تسخیری برای متهم توسط دادگاه
۳۶۱	معرفی وکیل توسط کانون وکلا به دادگاه
۳۶۲	صورتجلسه دادگاه جهت تضمین سهم صغار مقتول
۳۶۴	برگ بازجویی و صورتمجلس از متهم به قتل (دادگاه)
۳۶۵	برگ بازجویی و صورتمجلس از متهم به قتل (دادگاه)
۳۶۶	برگ بازجویی از متهم در دادگاه
۳۶۷	برگ صورتجلسه و بازجویی از متهم به قتل (أخذ آخرین دفاع)
۳۶۸	رأی دادگاه عمومی بخش / قتل عمدى / قصاص نفس
۳۷۰	فرم ویژه مکاتبات مددجویان (نوبت اول)
۳۷۱	فرم ویژه مکاتبات مددجویان (نوبت دوم)
۳۷۲	برگ احضار شاکی / اولیاء دم
۳۷۳	پاسخ رئیس اجرای احکام/ قبول درخواست محکوم علیه
۳۷۴	فصل هفدهم
۳۷۴	دعاوی ویژه (قتل عمد) پرونده (شماره چهارده)
۳۷۵	رأی دادگاه کیفری استان / قتل عمد با چاقو/برادرکشی
۳۷۷	قتل عمد توسط مجنون خطرناک (بدون عاقله) پرداخت دیه از بیتالمال مسلمین
۳۷۸	چند نظریه مشورتی
۳۷۹	فصل هیجدهم
۳۷۹	دعاوی قتل عمد «پرونده شماره پانزده»
۳۸۰	یک فقره قتل عمد و ایراد ۳ فقره صدمات بدنی عمدی با چاقو «صدور قرار مجرمیت به اتهام قتل عمد»
۳۸۰	محکومیت به پرداخت دیه بابت ضرب و جرح
۳۸۲	فصل نوزدهم
۳۸۲	دعاوی قتل عمد
۳۸۲	«پرونده شماره شانزده»
۳۸۳	رأی دادگاه هم عرض / قتل عمدى / محکومیت به قصاص نفس
۳۸۶	رأی دیوانعالی کشور/ ابرام حکم قصاص نفس
۳۸۹	فصل بیستم
۳۹۲	«آینین دادرسی کیفری، دعاوی قتل عمد «پرونده شماره هفدهم»
۳۹۰	برگ گزارش معاینه جسد / پزشکی قانونی
۳۹۱	قرار بازداشت موقت احد از متهمان
۳۹۲	گزارش اداره آگاهی در بررسی آلت قتاله
۳۹۳	گواهی فوت مقتول
۳۹۵	دستور به زندان جهت اعزام متهم به دادگاه
۳۹۶	قرار مجرمیت صادره از دادگاه عمومی بخش و ارسال پرونده
۳۹۶	به دادرسای عمومی و انقلاب شهرستان
۳۹۷	فرم ویژه مکاتبات مددجویان (نوبت اول)

۳۹۸.....	لایحه دفاعیه وکیل متهمان به ضرب و جرح و قتل عمد (۱)
۴۰۰.....	لایحه دفاعیه وکیل متهمان (۲)
۴۰۱.....	لایحه دفاعیه وکیل متهمان (۳)
۴۰۵.....	رأی دادگاه عمومی بخش/ صدور قرار منع تعقیب مجید (الف)
۴۰۶.....	رأی دادگاه عمومی بخش/ صدور رأی محکومیت به پرداخت دیه و تحمل کیفر نزاع دسته جمعی
۴۰۸.....	رأی اکثریت دادگاه کیفری استان/ محکومیت متهم به قصاص نفس
۴۱۶.....	لایحه تجدیدنظر خواهی وکیل جدید محکوم، به قصاص
۴۱۷.....	رأی دیوانعالی کشور / نقض دادنامه معتبرض عليه
۴۲۴.....	فصل بیست و یکم.....
۴۲۴.....	فقه جزا «در باب مسائل قتل»
۴۳۳.....	فصل بیست و دوم.....
۴۳۳.....	قتل / غیر عمد / شبه عمد
۴۳۶.....	نمونه رأی شماره یک / قتل غیر عمد(۱)
۴۳۷.....	رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوي
۴۳۸.....	نمونه رأی شماره ۲ / «شرکت در قتل شبیه عمد»
۴۴۰.....	فصل بیست و سوم.....
۴۴۰.....	نظريات مشورتی «قتل عمد» در قانون مجازات اسلامی سابق
۴۵۳.....	فصل بیست و چهارم.....
۴۵۳.....	«كتاب قصاص»
۴۵۳.....	برگرفته از جلد چهارم كتاب تحريرالوسيله حضرت امام خميني(ره)
۵۰۷.....	فصل بیست و پنجم / الف.....
۵۰۷.....	پرونده انها مقتول عمدی مأمور ناجا حين انجام وظيفه
۵۰۸.....	گزارش معاینه جسد / اداره آگاهی
۵۱۳.....	گزارش معاونت اطلاعات ناجا در مورد متوفی
۵۱۴.....	نتیجه کمیسیون ماده ۵ آئین نامه اجرایی تبصره بند ۵ ماده ۲ قانون به کارگیری سلاح
۵۱۵.....	گفتاری مختصراً پیرامون قانون بکارگیری سلاح
۵۱۹.....	لایحه اولیه نمایندگان اداره حقوقی ناجا
۵۲۳.....	لایحه دوم نمایندگان اداره حقوقی ناجا در مرحله دادرسی
۵۲۶.....	قرار مجرمیت بازپرس
۵۳۲.....	کیفرخواست علیه متهم ردیف اول به اتهام قتل عمدی
۵۳۳.....	کیفرخواست علیه متهم ردیف دوم به اتهام شهادت کذب
۵۳۴.....	برگ بازجویی از متهم به قتل
۵۳۵.....	لایحه وکیل تعیینی در مرحله دادگاه کیفری یک
۵۶۸.....	لایحه جلسه دوم وکیل متهم به قتل عمدی
۵۷۰.....	لایحه وکیل، بعد از صدور قرار بازداشت موقت
۵۷۴.....	رأی دادگاه کیفری یک / صدور حکم برائت
۵۸۵.....	رأی دیوان عالی کشور / ابرام حکم برائت

۵۸۸.....	فصل بیست و پنجم / ب
۵۸۸.....	خسارتم ناشی از رفتار زیان دیده ضابطین قوه قضائیه
۶۰۷.....	فصل بیست و ششم
۶۰۷.....	نظریات مشورتی ق.م.ا. جدید ۹۲
۶۳۹.....	«لایحه / اعتراض به قرار منع/ موقوفی تعقیب قتل عمدی
۶۴۱.....	«نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی از احکام دادگاه کیفری یک استان» قتل عمدی/ محکوم به قصاص براساس اقرار در مراحل مقدماتی
۶۴۳.....	«نمونه لایحه دفاعیه/ جلسه اول رسیدگی کیفری» قتل عمد
۶۴۴.....	«نمونه لایحه دفاعیه/ جلسه اول رسیدگی کیفری دو» (قتل عمدی ناشی از رانندگی)
۶۴۵.....	منابع و مأخذ

مقدمه:

انسان که آفریده خداوند است هیچ کاری را بی‌هدف و غرض انجام نمی‌دهد، تا چه رسد به خداوند حکیم علی‌الاطلاق که آفریدگار اوست، از این رو در قرآن کریم می‌فرماید:

«آیا گمان می‌کنید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما باز نمی‌گردید» (سوره مؤمنون / ۱۱۵)؛
و «آیا انسان گمان می‌کند که بی‌هدف رها خواهد شد» (سوره قیامه / ۳۶).

بنابراین خداوند حکیم، از وضع شریعت و ارسال رُسل، هدفی دارد و امر و نهی‌های او نیز بر مصالح و مفاسدی استوار است. مجازات‌ها نیز که در نتیجه سرپیچی از اوامر و نواهی الهی متوجه انسان می‌شود در راستای هدف الهی است که انسان را به سوی تعالیٰ و قرب الهی سوق می‌دهد. با وجود این، اهداف جزئی دیگری نیز برای مجازات‌ها می‌توان در نظر گرفت که گاهی در زبان شارع و گاهی در کتاب‌های فقیهان به آنها اشاره شده است و همگی این اهداف، تأمین کننده همان هدف بزرگ خداوند است که انسان را به نقطه کمال برساند.

شاطبی در «المواقفات»، هدف شارع از وضع شریعت و تکالیف را به سه مقصد ضروریات، حاجیات و تحسینیات تقسیم می‌کند و می‌گوید: این سه مقصد هر یک برای حفظ مصالح و دفع مفاسد است. گروه اول که ضروریات‌اند برای حفظ ضروریات خمس، دین، جان، نسل، مال و عقل – است؛ و گروه دوم برای رفع نیازهای بشر است که اگر نباشد انسان به عُسر و حَرج گرفتار می‌شود؛

و گروه سوم مربوط به اخلاقیات است. (المواقفات ۷/۲ به بعد).

اهداف دیگری که برای مجازات متصور است، عبارت است از:

۱- برقراری عدالت؛ ذات و سرشت، بشر خواهان عدالت است و به همین سبب بیشتر حکومت‌هایی که پا می‌گیرند، شعار عدالت‌خواهی سر می‌دهند، اگر چه در ادامه راه از آن بازمانند.

یکی از راههای برقراری عدالت، گرفتن حقوق ضعیفان از توامندان و خلافکاران است که گاهی به اعمال مجازات نیز می‌انجامد.

۲- بازدارندگی؛ هر کیفری دو نوع بازدارندگی دارد: یکی نسبت به خود مجرم و مجازات شونده که مرتکب تکرار نشود (پیشگیری خاص) و دیگری نسبت به جامعه و اطرافیان که گرد جرم نگردند (پیشگیری عام).

۳- جبران خسارت بزه‌دیده؛

۴- تشفی خاطر بازماندگان در مجازات قصاص؛

۵- حمایت از کرامت و شأن انسان؛

۶- تأمین آسایش و امنیت جامعه و حفظ نظم عمومی؛

- ۷- اصلاح مجرم؛
- ۸- پاکسازی مجرم؛

بیشتر افراد جامعه، پس از انجام جرم، احساس گناه می‌کنند و شاید خود را قابل آمرزش ندانند و راه توبه را مسدود بدانند.
اعمال مجازات می‌تواند این احساس گناه را برطرف و افراد را به راه راست بازگردد.

نگارنده با تأثیف این کتاب در نظر دارد با بیان ابعاد مختلف پرونده‌های قتل، از قانون و عدالت صیانت نماید.

العبد / جعفر اختنیا

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»

هیچ کس جز به فرمان خدا نخواهد مُرد. (شریفه ۱۴۴ / آل عمران)

باب پنجم

فصل اول – بخش اول

دعاوى ویژه^(۱)
"قتل عمد"

حاوى پرونده قتل عمد

بانضمام: دعاوى قتل شبه عمد / غير عمد

نظريات مشورتى / فقه جزا / پژشكى قانونى

(۱)

فقهای اسلامی از دیرباز به ادله اثبات دعوی توجه داشته و در این باره، کتابهای مستقل و مفصلی را با نام‌های کتاب القضاe یا عناؤین دیگر، نوشته‌اند و یا در میان کتابهای مفصل، ابوابی را به آن اختصاص داده‌اند. افزون بر این، در بررسی جرایم و مجازاتهای اسلامی، راه اثبات هر یک از جرایم را با جزئیات آن، در فصل مربوط آورده‌اند. با بررسی این ابواب، باید گفت: ادله عمومی اثبات جرایم در فقه اسلامی چهار دلیل اقرار، بیان، یمین و علم قاضی است.

علاوه بر این، دلایل دیگری نیز وجود دارد که مربوط به ابواب خاصی است، از جمله: لعان که نوع خاصی از قسمت (اليمين) است و ادعای شوهر نسبت به زنای همسر را اثبات می‌کند؛ و قسامه که این هم از فروع قسم است و قتلها بی‌دلیل را به شرط وجود لوث اثبات می‌کند؛ و سند کتبی که بیشتر در دعاوى حقوقی به کار می‌رود؛ و کارشناسی یا اهل خبره که از آن برای تشخیص برخی موضوعات استفاده می‌شود.

شایان ذکر است که تعداد اقرار، شاهد و گاه قسم در اثبات جرایم مختلف حدی، تعزیری، دیه و قصاص، متفاوت است.
 (ر.ک):

فقه شیعه: القضاe فى الفقه الإسلامى؛ فقه القضاe؛ دليل القضاe الجعفرى.

فقه سنت: الطرق الحكميّة؛ التشريع الجنائي؛ نظرية الإثبات.

ح.ج: ادله اثبات دعاوى كيفري؛ قسامه در نظام قضائي اسلام.

ق.م.ا. بخش پنجم – ادله اثبات در امور كيفري مواد ۲۱۳ الى ۱۶۰ مصوب ۱۳۹۲

فصل اول – بخش اول

«جنایت»

مستخرج از قانون مجازات اسلامی^۱

۱۳۹۲

«قصاص / قصاص نفس / قتل عمد / اکراه در قتل / شرکت در قتل / شرایط قصاص شرایط دعوای قتل / راههای ثبوت قتل / شهادت / قسامه / کیفیت استیفاء قصاص»

^۱. تعیین جرائم و میزان مجازات برای مرتكبین آنها و ایجاد مسئولیت و ضمان از جمله وظایف اختصاصی مقنن محسوب می‌شود.

«مستخرج از قانون مجازات اسلامی»

بخش اول – مواد عمومی

فصل اول – اقسام و تعاریف جنایات

ماده ۲۸۹ – جنایت بر نفس، عضو و منفعت بر سه قسم: عمدی، شبه عمدی، خطای محض است.

ماده ۲۹۰ – جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود:

الف – هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتکابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.

ب – هرگاه مرتکب، عمدًاً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد. ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.

پ – هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن نمی‌شود، لکن در خصوص مجنی‌علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود، مشروط بر آن که مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

ت – هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود. مانند اینکه در اماکن عمومی بمبگذاری کند.

تبصره ۱ – در بند (ب) عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی است، مگر جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب، واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.

تبصره ۲ – در بند (پ) باید آگاهی و توجه مرتکب به اینکه کار نوعاً نسبت به مجنی‌علیه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌شود ثابت گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.

ماده ۲۹۱ – جنایت در موارد زیر شبه عمدی محسوب می‌شود:

الف – هرگاه مرتکب نسبت به مجنی‌علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد، نباشد.

ب – هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آن که جنایتی را با اعتقاد به این که موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است به مجنی‌علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.

پ – هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد.

ماده ۲۹۲ – جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود:

الف - در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود.

ب - به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد.

پ - جنایتی که در آن مرتكب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایجاد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید.

تبصره - در مورد بندهای (الف) و (پ) هرگاه مرتكب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود.

ماده ۲۹۳ - هرگاه فردی مرتكب جنایت عمدی گردد لکن نتیجه رفتار ارتکابی، بیشتر از مقصود وی واقع شود، چنانچه جنایت واقع شده، مشمول تعریف جنایات عمدی نشود، نسبت به جنایت کمتر، عمدی و نسبت به جنایت بیشتر، شبه عمدی محسوب می‌شود؛ مانند آنکه انگشت کسی را قطع کند و به سبب آن دست وی قطع شود و یا فوت کند که نسبت به قطع انگشت عمدی و نسبت به قطع دست و یا فوت شبه عمدی است.

ماده ۲۹۴ - اگر کسی به علت اشتباه در هویت، مرتكب جنایتی بر دیگری شود در صورتی که مجنی علیه و فرد مورد نظر هر دو مشمول ماده (۳۰۲) این قانون نباشند، جنایت عمدی محسوب می‌شود.

ماده ۲۹۵ - هرگاه کسی فعلی که انجام آن را به عهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است، مانند این که مادر یا دایه‌ای که شیردادن را بر عهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند.

فصل دوم - تداخل جنایات

ماده ۲۹۶ - اگر کسی، عمدأً جنایتی را بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می‌شود، در غیر این صورت، قتل شبه عمدی است و مرتكب علاوه بر قصاص عضو به پرداخت دیه نفس نیز محکوم می‌شود.

ماده ۲۹۷ - اگر مرتكب با یک ضربه عمدی، موجب جنایتی بر عضو شود که منجر به قتل مجنی علیه گردد، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می‌شود و به علت نقص عضو یا جراحتی که سبب قتل شده است به قصاص یا دیه محکوم نمی‌گردد.

ماده ۲۹۸ - اگر کسی با یک ضربه عمدی، موجب جنایات متعدد بر اعضای مجنی علیه شود، چنانچه همه آنها به طور مشترک موجب قتل او شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد فقط به قصاص نفس محکوم می‌شود.

ماده ۲۹۹ - اگر کسی با ضربه‌های متعدد عمدی، موجب جنایات متعدد و قتل مجنی علیه شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، چنانچه برخی از جنایت‌ها موجب قتل شود و برخی در وقوع قتل نقشی نداشته باشند، مرتكب علاوه بر قصاص نفس، حسب مورد، به قصاص عضو یا دیه جنایت‌هایی که تأثیری در قتل نداشته است، محکوم می‌شود.

لکن اگر قتل به وسیله مجموع جنایات پدید آید، در صورتی که ضربات به صورت متوالی وارد شده باشد در حکم یک ضربه است در غیر این صورت به قصاص یا دیه عضوی که جنایت بر آن، متصل به فوت نبوده است نیز محکوم می‌گردد.

تبصره - احکام مقرر در مواد (۲۹۶)، (۲۹۷) و (۲۹۸) در مواردی که جنایت یا جنایات ارتکابی به قسمت بیشتری از همان عضو یا اعضای دیگر مجنيّ عليه سرایت کند نیز جاری است.

ماده ۳۰۰- اگر مجنيّ عليه به تصور اینکه جنایت واردہ بر او به قتل منجر نمی‌شود و یا اگر به قتل منجر شود قتل، عمدی محسوب نمی‌شود قصاص کند یا گذشت یا مصالحه بر دیه یا غیر آن نماید و بعد از آن، جنایت واقع شده، به نفس سرایت کند و به فوت مجنيّ عليه منجر شود، هرگاه قتل مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قاتل به قصاص نفس محکوم می‌شود و چنانچه عضو مرتكب، قصاص شده یا با او مصالحه شده باشد، ولی دم باید قبل از قصاص نفس، دیه عضو قصاص شده یا وجه المصالحه را به وی پردازد؛ لکن اگر جنایت مشمول تعریف جنایات عمدی نگردد، به پرداخت دیه نفس، بدون احتساب دیه عضو قصاص شده یا وجه المصالحه اخذشده، محکوم می‌شود. مفاد این ماده، در موردی که جنایت ارتکابی به قسمت بیشتری از همان عضو مورد جنایت سرایت کند نیز جاری است.

فصل سوم - شرایط عمومی قصاص

ماده ۳۰۱- قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتكب، پدر یا از اجداد پدری مجنيّ عليه نباشد و مجنيّ عليه، عاقل و در دین با مرتكب مساوی باشد.

تبصره - چنانچه مقتول مسلمان باشد، مسلمان نبودن مرتكب، مانع قصاص نیست.

ماده ۳۰۲- در صورتی که مجنيّ عليه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتكب به قصاص و پرداخت دیه، محکوم نمی‌شود:

الف- مرتكب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است.

ب- مرتكب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است، مشروط بر اینکه جنایت وارد شده، بیش از مجازات حدی او نباشد، در غیر این صورت، مقدار اضافه بر حد، حسب مورد، دارای قصاص و یا دیه و تعزیر است.

پ- مستحق قصاص نفس یا عضو، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی‌شود.

ت- متجاوز و کسی که تجاوز او قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده (۱۵۶) این قانون جنایتی بر او وارد شود.

ث- زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است.

تبصره ۱- اقدام در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده بدون اجازه دادگاه جرم است و مرتكب به تعزیر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

تبصره ۲- در مورد بند (ت) چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص متفقی است، لکن مرتكب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می‌شود.

ماده ۳۰۳- هرگاه مرتكب، مدعی باشد که مجنيّ عليه، حسب مورد در نفس یا عضو، مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است یا وی با چنین اعتقادی، مرتكب جنایت بر او شده است این ادعا باید طبق موازین در دادگاه ثابت شود و دادگاه موظف است نخست به ادعای مذکور رسیدگی کند. اگر ثابت نشود که مجنيّ عليه مشمول ماده (۳۰۲) است و نیز ثابت نشود که مرتكب بر اساس چنین اعتقادی، مرتكب جنایت شده است مرتكب به قصاص محکوم می‌شود ولی اگر ثابت شود که به اشتباه با چنین اعتقادی، دست به جنایت زده و مجنيّ عليه نیز موضوع ماده (۳۰۲) نباشد مرتكب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات

مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محاکوم می‌شود.

ماده ۳۰۴ - جنایت عمدی نسبت به نابالغ، موجب قصاص است.

ماده ۳۰۵ - مرتكب جنایت عمدی نسبت به مجنون علاوه بر پرداخت دیه، به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» نیز محاکوم می‌شود.

ماده ۳۰۶ - جنایت عمدی بر جنین، هرچند پس از حلول روح باشد، موجب قصاص نیست. در این صورت مرتكب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محاکوم می‌شود.

تبصره - اگر جنینی زنده متولد شود و دارای قابلیت ادامه حیات باشد و جنایت قبل از تولد، منجر به نقص یا مرگ او پس از تولد شود و یا نقص او بعد از تولد باقی بماند قصاص ثابت است.

ماده ۳۰۷ - ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روان‌گردان و مانند آنها، موجب قصاص است، مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتكب به کلی مسلوب الاختیار بوده است، که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محاکوم می‌شود. لکن اگر ثابت شود که مرتكب قبلًا خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می‌شود، جنایت، عمدی محسوب می‌شود.

ماده ۳۰۸ - اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضایی، در بالغ یا عاقل بودن مرتكب، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته باشد و ولی دم یا مجنی‌علیه ادعا کند که جنایت عمدی در حال بلوغ وی یا افاقه او از جنون سابقش انجام گرفته است، لکن مرتكب خلاف آن را ادعا کند، ولی دم یا مجنی‌علیه باید برای ادعای خود بینه اقامه کند. در صورت عدم اقامه بینه، قصاص متفقی است. اگر حالت سابق بر زمان جنایت، افاقه مرتكب بوده است، مرتكب باید جنون خود در حال ارتکاب جرم را اثبات کند تا قصاص ساقط شود؛ در غیر این صورت با سوگند ولی دم یا مجنی‌علیه یا ولی او قصاص ثابت می‌شود.

ماده ۳۰۹ - این ادعا که مرتكب، پدر یا یکی از اجداد پدری مجنی‌علیه است، باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات، حق قصاص، حسب مورد، با سوگند ولی دم یا مجنی‌علیه یا ولی او ثابت می‌شود.

ماده ۳۱۰ - هرگاه غیرمسلمان، مرتكب جنایت عمدی بر مسلمان، ذمی، مستأمن یا معاهد شود، حق قصاص ثابت است. در این امر، تفاوتی میان ادیان، فرقه‌ها و گرایش‌های فکری نیست. اگر مسلمان، ذمی، مستأمن یا معاهد، بر غیر مسلمانی که ذمی، مستأمن و معاهد نیست جنایتی وارد کند، قصاص نمی‌شود، در این صورت مرتكب به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محاکوم می‌شود.

تبصره ۱ - غیرمسلمانانی که ذمی، مستأمن و معاهد نیستند و تابعیت ایران را دارند یا تابعیت کشورهای خارجی را دارند و با رعایت قوانین و مقررات وارد کشور شده‌اند، در حکم مستأمن می‌باشند.

تبصره ۲ - اگر مجنی‌علیه غیرمسلمان باشد و مرتكب پیش از اجرای قصاص، مسلمان شود، قصاص ساقط و علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات»، محاکوم می‌شود.

ماده ۳۱۱ - اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضایی، در مسلمان بودن مجنی‌علیه، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته و حالت او پیش از جنایت، عدم اسلام باشد و ولی دم یا مجنی‌علیه ادعا کند که جنایت عمدی در حال اسلام

او انجام شده است و مرتكب ادعا کند که ارتکاب جنایت، پیش از اسلام آوردن وی بوده است، ادعای ولی دم یا مجنی علیه باید ثابت شود و در صورت عدم اثبات، قصاص منتفی است و مرتكب به پرداخت دیه و مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. اگر حالت پیش از زمان جنایت، اسلام او بوده است، وقوع جنایت در حالت عدم اسلام مجنی علیه باید اثبات شود تا قصاص ساقط گردد و در صورت عدم اثبات، با سوگند ولی دم یا مجنی علیه یا ولی او قصاص ثابت می‌شود. حکم این ماده در صورتی که در مجنون بودن مجنی علیه تردید وجود داشته باشد نیز جاری است.

فصل چهارم - راههای اثبات جنایت

ماده ۳۱۲- جنایات علاوه بر طرق مقرر در کتاب اول «کلیات» این قانون از طریق قسامه نیز ثابت می‌شود.

ماده ۳۱۳- قسامه عبارت از سوگندهایی است که در صورت فقدان ادله دیگر و غیر از سوگند منکر و وجود لوث، شاکی برای اثبات جنایت عمدى یا غيرعمدى یا خصوصیات آن و متهم برای دفع اتهام از خود اقامه می‌کند.

ماده ۳۱۴- لوث عبارت از وجود قرائن و اماراتی است که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوه ارتکاب از جانب متهم می‌شود.

ماده ۳۱۵- فقدان قرائن و امارات موجب ظن و صرف حضور فرد در محل وقوع جنایت، از مصاديق لوث محسوب نمی‌شود و او با ادای یک سوگند، تبرئه می‌گردد.

ماده ۳۱۶- مقام قضایی موظف است در صورت استناد به قسامه، قرائن و امارات موجب لوث را در حکم خود ذکر کند. مواردی که سوگند یا قسامه، توسط قاضی رد می‌شود، مشمول این حکم است.

ماده ۳۱۷- در صورت حصول لوث، نخست از متهم، مطالبه دلیل بر نفی اتهام می‌شود. اگر دلیلی ارائه شود، نوبت به قسامه شاکی نمی‌رسد و متهم تبرئه می‌گردد. در غیر این صورت با ثبوت لوث، شاکی می‌تواند اقامه قسامه کند یا از متهم درخواست قسامه کند.

ماده ۳۱۸- اگر شاکی اقامه قسامه نکند و از مطالبه قسامه از متهم نیز خودداری ورزد، متهم در جنایات عمدى، با تأمین مناسب و در جنایات غيرعمدى، بدون تأمین آزاد می‌شود لکن حق اقامه قسامه یا مطالبه آن برای شاکی باقی می‌ماند.

تبصره - در مواردی که تأمین گرفته می‌شود، حداقل سه ماه به شاکی فرصت داده می‌شود تا اقامه قسامه نماید یا از متهم مطالبه قسامه کند و پس از پایان مهلت از تأمین اخذ شده رفع اثر می‌شود.

ماده ۳۱۹- اگر شاکی از متهم درخواست قسامه کند و وی حاضر به قسامه نشود به پرداخت دیه محکوم می‌شود و اگر اقامه قسامه کند، تبرئه می‌گردد و شاکی حق ندارد برای بار دیگر، با قسامه یا بینه، دعوا را علیه او تجدید کند. در این مورد متهم نمی‌تواند قسامه را به شاکی رد نماید.

ماده ۳۲۰- اقامه قسامه یا مطالبه آن از متهم، باید حسب مورد، توسط صاحب حق قصاص یا دیه، یا ولی یا وکیل آنها باشد. همچنین است اقامه قسامه برای برائت متهم که حسب مورد به وسیله متهم، ولی یا وکیل آنها صورت می‌گیرد. اتیان سوگند به وسیله افراد قابل توکیل نیست.

ماده ۳۲۱- اگر مجنی علیه یا ولی دم فوت کند هریک از وارثان متوفی، بدون نیاز به توافق دیگر ورثه متوفی یا دیگر اولیای دم، حق مطالبه یا اقامه قسامه را دارند.

ماده ۳۲۲- اگر برخی از ورثه، اصل اتهام یا برخی خصوصیات آن را از متهم نفی کنند، حق دیگران با وجود لوث، برای اقامه قسامه محفوظ است.

ماده ۳۲۳- اگر چند نفر، متهم به شرکت در یک جنایت باشند و لوث علیه همه آنان باشد، اقامه یک قسامه برای اثبات شرکت آنان در ارتکاب جنایت، کافی است و لزومی به اقامه قسامه برای هر یک نیست.

ماده ۳۲۴- اگر شاکی ادعا کند که تنها یک شخص معین از دو یا چند نفر، مجرم است و قسامه بر شرکت در جنایت اقامه شود، شاکی نمی‌تواند غیر از آن یک نفر را قصاص کند و چنانچه دیه قصاص شونده بیش از سهم دیه جنایت او باشد شریک یا شرکای دیگر باید مازاد دیه مذکور را به قصاص شونده پردازند. رجوع شاکی از اقرار به انفراد مرتكب، پس از اقامه قسامه مسموع نیست.

ماده ۳۲۵- اگر برخی از صاحبان حق قصاص یا دیه از متهم درخواست قسامه کنند، قسامه متهم فقط حق مطالبه‌کنندگان را ساقط می‌کند و حق دیگران برای اثبات ادعایشان محفوظ است و اگر بتوانند موجب قصاص را اثبات کنند، باید پیش از استیفاده قصاص، سهم دیه گروه اول را حسب مورد به خود آنها یا به مرتكب پردازند.

ماده ۳۲۶- اگر شاکی علی‌رغم حصول لوث علیه متهم اقامه قسامه نکند و از او مطالبه قسامه کند و متهم درباره اصل جنایت یا خصوصیات آن، ادعای عدم علم کند، شاکی می‌تواند از وی مطالبه اتیان سوگند بر عدم علم نماید. اگر متهم بر عدم علم به اصل جنایت سوگند یاد کند، دعوی متوقف و وی بدون تأمین آزاد می‌شود و اگر سوگند متهم فقط بر عدم علم به خصوصیات جنایت باشد، دعوی فقط در مورد آن خصوصیات متوقف می‌گردد. لکن اگر متهم از سوگند خوردن خودداری ورزد و شاکی بر علم داشتن او سوگند یاد کند، ادعای متهم به عدم علم رد می‌شود و شاکی حق دارد از متهم اقامه قسامه را درخواست نماید. در این صورت اگر متهم اقامه قسامه نکند به پرداخت دیه محکوم می‌شود.

ماده ۳۲۷- در صورتی که شاکی متعدد باشد، اقامه یک قسامه برای همه آنان کافی است لکن در صورت تعدد متهمان، برای برائت هر یک، اقامه قسامه مستقل لازم است.

ماده ۳۲۸- در صورت تعدد متهمان، هریک از آنها می‌تواند به نفع متهم دیگر، در قسامه شرکت کند.

ماده ۳۲۹- قسامه فقط نسبت به مقداری که لوث حاصل شده است، موجب اثبات می‌شود و اثبات خصوصیات جنایت از قبیل عمد، شبه عمد، خطأ، مقدار جنایت و شرکت در ارتکاب جنایت یا انفراد در آن نیازمند حصول لوث در این خصوصیات است.

ماده ۳۳۰- اگر نسبت به خصوصیات جنایت لوث حاصل نشود یا سوگند خورندگان، بر آن خصوصیات سوگند یاد نکنند و فقط بر انتساب جنایت به مرتكب سوگند بخورند، اصل ارتکاب جنایت اثبات می‌شود و دیه تعلق می‌گیرد.

ماده ۳۳۱- چنانچه اصل ارتکاب جنایت، با دلیلی به جز قسامه اثبات شود، خصوصیات آن در صورت حصول لوث در هر یک از آنها به وسیله قسامه قابل اثبات است مانند آن که یکی از دو شاهد عادل، به اصل قتل و دیگری به قتل عمدی شهادت دهد که در این صورت اصل قتل با بینه اثبات می‌شود و در صورت لوث، عمدی بودن قتل با اقامه قسامه ثابت می‌گردد.

ماده ۳۳۲- اگر لوث علیه دو یا چند نفر به شکل مردد حاصل شود، پس از تعیین مرتكب به وسیله مجنی علیه یا ولی دم و اقامه قسامه علیه او، وقوع جنایت اثبات می‌شود.

ماده ۳۳۳- اگر لوث عليه دو یا چند نفر به شکل مرد ثابت باشد و قسامه به همین گونه علیه آنان اقامه شود، جنایت بر عهده یکی از چند نفر، به صورت مرد اثبات می‌شود و قاضی از آنان می‌خواهد که بر برائت خود سوگند بخورند. اگر همگی از سوگند خوردن خودداری ورزند یا برخی از آنان سوگند یاد کنند و برخی نکنند، دیه بر ممتنع ثابت می‌شود.

اگر ممتنع متعدد باشند، پرداخت دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می‌شود. اگر همه آنان بر برائت خود سوگند یاد کنند، در خصوص قتل، دیه از بیتالمال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می‌گردد.

ماده ۳۳۴- اگر لوث عليه دو یا چند نفر به شکل مرد ثابت باشد، چنانچه شاکی از آنان درخواست اقامه قسامه کند هر یک از آنان باید اقامه قسامه کند. در صورت خودداری همه یا برخی از آنان از اقامه قسامه، پرداخت دیه بر ممتنع ثابت می‌شود و در صورت تعدد ممتنع، پرداخت دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می‌شود. اگر همگی اقامه قسامه کنند، در قتل، دیه از بیتالمال پرداخت می‌گردد.

ماده ۳۳۵- چنانچه لوث تنها علیه برخی از افراد حاصل شود و شاکی علیه افراد بیشتری ادعای مشارکت در ارتکاب جنایت را نماید، با قسامه، جنایت به مقدار ادعای مدعی، در موردی که لوث حاصل شده است اثبات می‌شود مانند آنکه ولی دم مدعی مشارکت سه مرد در قتل عمدی مردی باشد و لوث فقط علیه مشارکت دو نفر از آنان باشد، پس از اقامه قسامه علیه آن دو نفر، حق قصاص علیه آن دو به مقدار سهمشان ثابت است. اگر ولی دم بخواهد هر دو نفر را قصاص کند، باید به سبب اقرار خود به اشتراک سه مرد، دو سوم دیه را به هریک از قصاص شوندگان بپردازد.

تبصره - رجوع شاکی از اقرار به شرکت افراد بیشتر پذیرفته نیست، مگر اینکه از ابتدا، شرکت افراد بیشتر را به نحو تردید ذکر کرده باشد و کسانی که در قسامه اتیان سوگند کرده‌اند نیز شرکت افراد دیگر را در ارتکاب جنایت نفی کرده و بر ارتکاب قتل توسط افراد کمتر سوگند یاد کرده باشند.

ماده ۳۳۶- نصاب قسامه در اثبات قتل عمدی، سوگند پنجاه مرد از خویشان و بستگان مدعی است. با تکرار سوگند قتل ثابت نمی‌شود.

ماده ۳۳۷- سوگند شاکی، خواه مرد باشد خواه زن، جزء نصاب محسوب می‌شود.

ماده ۳۳۸- در صورتی که شاکی از متهم درخواست اقامه قسامه کند، متهم باید برای برائت خود، اقامه قسامه نماید که در این صورت، باید حسب مورد به مقدار نصاب مقرر، ادا کننده سوگند داشته باشد. اگر تعداد آنان کمتر از نصاب باشد، سوگندها تا تحقق نصاب، توسط آنان یا خود او تکرار می‌شود و با نداشتن اداء کننده سوگند، خود متهم، خواه مرد باشد خواه زن، همه سوگندها را تکرار نماید و تبرئه می‌شود.

ماده ۳۳۹- در قسامه، همه شرایط مقرر در کتاب اول «کلیات» این قانون که برای اتیان سوگند ذکر شده است رعایت می‌شود.

ماده ۳۴۰- لازم نیست اداء کننده سوگند، شاهد ارتکاب جنایت بوده باشد و علم وی به آنچه بر آن سوگند یاد می‌کند، کافی است. همچنین لازم نیست قاضی، منشأ علم اداء کننده سوگند را بداند و ادعای علم از سوی اداء کننده سوگند، تا دلیل معتبری برخلاف آن نباشد، معتبر است. در هر صورت تحقیق و بررسی مقام قضایی از اداء کننده سوگند بلامانع است.

ماده ۳۴۱- اگر احتمال آن باشد که اداء کننده سوگند، بدون علم و بر اساس ظن و گمان یا با تبانی سوگند می‌خورد، مقام